

پایه ریزی شخصیت اخلاقی کودک

شاکله وجودی انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی، از ابتدای کودکی - بخصوص در سالهای اولیه- عمر- پایه ریزی می شود. علاقه فراوان به فراگیری، و انعطاف پذیری عمیق در برابر ناهنجاریات رفتار و عکس العملهای والدین و اطرافیان ویژه مرحله خردسالی و قبل از ورود به دبستان است. به همین دلیل، همه معلومات، عاداتها، عکس العملها، ویژگیهای اخلاقی ای که در این دوران تحصیل می گردد، به طور ریشه دار و مستحکم و عمیق، در روح کودک باقی مانده و بنای اصلی شخصیت و سازمان و شاکله وجودی او را تشکیل می دهد و براساس آن، شخصیت او شکل می پذیرد.

رضا فرهادیان

اثرات توحید
در اخلاق
&
رفتار انسان



صورت خلاقیتی پرورش می‌یابد. در حالی که اگر در این دوران بر بار و حساس تربیتی، از جنین موقعیتهایی محروم باشد، جبران آن در سنین بالاتر مشکل و در بعضی از مواقع غیر ممکن است. از وصیتهای امیرالمؤمنین، علی - علیه السلام - به فرزندش امام حسن (ع) است که می‌فرماید: "انقلب الحدث کالارض الخالیه ما الی فیها من شیء قبلته فبادرتک بالادب قبل ان یسوق قلبک و یشتعل لیک" ۲

البته دل کودک همچون زمین خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود می‌پذیرد، پس من بیش از آن که فلبت سخت شود و فکرت به امور دیگری مشغول شود، به ادب و تربیت تو مبادرت ورزیدم.

دوران خردسالی دورانی است که اگر کودک در زمینه‌های مربوط به پرورش عواطف و احساسات، از جمله احساس همدردی، شادی، ابراز مهر و محبت، ارتباط و سازگاریهای اجتماعی و... تحت مراقبت و تعلیم و برخورد همدان و اکتشهای صحیح اسلامی - که از ایمان و اعتقاد به خدا سرچشمه گرفته است - قرار نگیرد، به یک انسان خودخواه و بی عاطفه و عاری از مهر و محبت و حس قدرشناسی در مقابل والدین و سایر افراد خانواده و اجتماع تبدیل خواهد شد. تنها با الهام از مکتب گرانقدر اسلام و

بهره‌گیری از دستورها و اخلاق و شیوه زندگی ائمه معصومین (ع) و استفاده از دعاها و سایر آداب و سنن اسلامی در جهت تزکیه و تصفیه روح خویش است که می‌توان در مواجهه با واقعیتهای طبیعی از صبر و استقامت لازم - که ویژه یک انسان مؤمن مسلمان است - برخوردار بود. نباید در انجام رسالت بزرگ تربیت کودک که خداوند او را برای پرورش و هدایت به

بر اساس تحقیقاتی که از سوی دانشمندان علم رفتارشناسی صورت گرفته است، بیشتر نایسامانیها و بزهکاریهای رفتاری در بزرگسالان، معلول عدم تربیت و برخورد صحیح در دوران اولیه رشد و آغاز سالهای زندگی است.

در واقع، اساس و پایه اصلی شکل‌گیری شخصیت انسان در دوران هفت سال اول زندگی است، همان دوران حساسی که کودک در کنار والدین به سر می‌برد.

این دوران، مهم‌ترین مرحله زندگی یک انسان و به تعبیر پیامبر اکرم (ص) دوران سیادت و آقایی انسان به شمار می‌رود، پیامبر اکرم (ص) فرمود: "الولد سید سبع سنین، و عبد سبع سنین، و وزیر سبع سنین" ۲

این دوران تنها مقدمه رشد و زندگی انسان نیست، بلکه دوران بی‌مانند و حساس و پراهمیت یک انسان است و پیش‌بینی این که طفل امروز در آینده به چگونه انسانی تبدیل خواهد شد تا حدود زیادی با این مسأله در ارتباط است که در سنین خردسالی در دامن چه کسی پرورش یافته، از چه پستانی شیر خورده، از چه مالی تغذیه کرده، در چه محیطی زندگی کرده، با چه کسانی معاشرت نموده و اطرافیان وی چه تأثیراتی در روح و فکر و قلب او برجای گذاشته‌اند؟

اگر کودکی، در دوران طفولیت و قبل از دبستان و همچنین دوران ابتدایی و دبستان، در خانواده‌ای پاک و پر مهر و محبت و سرشار از عشق و ایمان به خدا پرورش یافته و عملاً با روشها و اصول تربیتی اسلام رشد یافته باشد، قدرت تفکر و اندیشه‌وی در جهت شناخت پدیده‌های طبیعی عالم و در ارتباط با مبدء آفرینش و در جهت درک واقعیتهای زندگی به

از این رو، باید تمام برخورد‌ها و واکنشهای تربیتی خانواده‌ها بسیار حساب شده و در جهت رشد و شکوفایی ارزشهای اخلاقی-اسلامی باشد، یعنی در همه حالات و شوون زندگی که والدین و اطرافیان کودک با وی در تماس هستند، همه و همه باید به طور آگاهانه و بر اساس مبادی آداب و سنن اسلامی، دقیقاً رعایت گردد، و تمام حرکات و فعالیتها با یاد و ذکر خدا آغاز شده، با حمد و ستایش پروردگار پایان پذیرد.

باید همواره به کودک شخصیت داد و او را در جهت آماده سازی و پذیرش واحساس مسوولیت، محترم شمردن شخصیت والای دیگران، درک موقعیت آنان با روحیههای سخاوتمندانه، و کرامت نفس در ارتباط و کمک به دیگران پرورش داد. حتی در زندگی و موقعیت خانواده، کودک نباید خود را جدای از اعضای خانواده تصور کند و در مسوولیتها و کارهای روزمره زندگی - ولو در حد توان - شریک نداند!

معلمان و مربیان نیز مسوولیت دارند با طرح ارزشهای والای اخلاقی در قالب قصه‌ها و داستانها و منلهایی از تاریخ زندگی بزرگان و ائمه معصومین (ع)، با زبانی ساده و دلنشین، روح و روان کودک را با پاکیزه، صداقتها، رسادتها، کرامتها، ایثارها و گذشتهها آشنا ساخته، صیقل دهند. البته توفیق در این امر منسلزم آشنایی پسر و مادر، اعضای خانواده و اولیا و معلمین با ارزشهای اصیل و اخلاق و آداب و سنن اسلامی است. این جاست که نظم و انضباط صحیح و بفرزاری هماهنگی و ارتباط بین دو نهاد (خانه و مدرسه) در طول دوران تحصیل و تعلیم و تربیت از ضروریات است.

دست ما سپرده است، وی را از صحنه‌های خطر و نگرانیهای زندگی دور نگاه داریم، بلکه باید او را با کمال عطف و مهریانی و بتدریج با واقعیتهای عینی زندگی آشنا سازیم. همچنین نباید سعی و تلاش و غم مداوم ما تنها در جهت تاه مین وسایل رفاه و آسایش و راحت - طلبیها و خوش گذرانیهای مادی وی صرف شود، بلکه باید به پرورش روح و روان او بپردازیم و او را با ارزشها و موازین اخلاق اسلامی آشنا کنیم. به گونه‌ای که نوجوان تنها خواست و میل خود را در نظر نگیرد، بلکه کم کم با مسائل و روابط اجتماعی آشنا شده و در آینه از نگرانیها و غم و اندوه و گرفتاریهای دیگران نگران شود و این که چه کمکی به دیگران می‌تواند بکند برایش اهمیت داشته باشد و با این سخن گرانقدر پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: "و مین اصبح ولم یهتّم باء مور المسلمین فلیس بمسلم" آشنا شود.

جوانه های کمک به دیگران از همین دوران رشد آغاز به رویش می‌کنند و کودک با مهر و محبت امروز، انسان ایثارگر فردا خواهد شد. احساسات و عواطف در دوران کودکی، بسیار حساس و لطیف است و در این دوران، شکل گیری روابط و درک مسوولیتها و تشخیص ارزشها و بیبا ددن به آنها، و این که آیا در آینده، بینشی مادی یا الهی پیدا خواهد کرد، و این که آیا یار و یاور مظلومین و دشمن و ستیزه گر ستمگر خواهد بود؟ مشخص خواهد شد.

سرانجام، کمک به دیگران در مقابل حوادث زندگی و توجه به زیر دستان و محرومین در یرتو تقرب به خدا، تحت تعلیم و تربیت فرهنگ اسلامی شکل گرفته، این ارزشها در کودکی به انسان منتقل می‌شود.

جانبه به‌همه، خصوصیات و ویژگیهای آدمی دارد و هدف آن شکل‌بخشیدن به کل شخصیت انسان است، نه پرورش برخی از جنبه‌ها و خصوصیات او و غفلت از بعضی خصوصیات دیگر، لذا در مکتب اسلام، انسان مؤمن شخصیتی همه‌بعدی دارد و باید در همه زمینه‌ها، استعدادهایش شکوفا شود. و از طرف دیگر وحدت و هماهنگی در شخصیت، گفتار و کردارش نمایان است.

جریان تربیت در صورتی نتیجه‌بخش خواهد بود که کودک از محتوای تعلیم و تربیت اسلامی - که تمامی دستورها و آداب و احکام آن در زمینه‌های مختلف هماهنگ باید بگذرند - برخوردار گردد و پرورش او نیز با موفقیت انجام پذیرد، زیرا در امر تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به بعضی از مسائل تربیتی و غفلت از بعضی دیگر موجب انحراف اخلاقی خواهد شد. چنانکه در طول تاریخ این امر اتفاق افتاده، و شخصیت‌های یک بعدی که برای خود و جامعه مضر بوده‌اند، هر یک با اعمال نظر خود جامعه را به سمتی انحرافی کشانیده‌اند.

مسأله دیگر، هماهنگی بین زمان و اصول تربیتی مناسب است که رعایت این اصل - که در چه زمانی چه چیزی را باید به کودک آموخت - موجب موفقیت اولیاء و مربیان در امر آموزش خواهد شد.

باید توجه داشت که کودک همواره در حال تئیر پذیری است و این امر تنها منحصر به شرایط معین یا زمان معین آموزش رسمی نمی‌شود، بلکه در فرصتهای دیگر نیز کودک تحت تربیت و آموزش غیر رسمی قرار دارد. و چه بسا آموزشهای غیر رسمی تئیر بیشتری کمتر از آموزشهای رسمی ندارند.

مع الاسف برخی از والدین یا مربیان، قادر به درک کامل مفهوم واقعی انضباط و بیاض جدی بودن آن در رشد و نمو کودک نیستند. به همین دلیل در برخورد با کودکان خود نمی‌دانند چگونه قاطعیت را همراه با مهربانی و نظم و انضباط را همراه با نرمش و ملاطفت به‌کارگیرند. در صورتی که بی‌اعتنایی به نظم و انضباط و ادب در تعلیم و تربیت جایز نیست، زیرا نبودن آن به منزله رها کردن تربیت به حال خود و اتلاف وقت و عمر نونهالان است، "الامیراث کالادب" ۶.

انضباط در تعلیم و تربیت نه به منظور محدود کردن و یا تحت فشار قراردادن شخصیت کودک، بلکه برخوردی مطلوب و متناسب با سن کودک است، به طوری که براساس آن، رفتار کودک شکلی منطقی به خود گرفته، در زمان و مکان مناسب، با توجه به تواناییهایش پاسخی مناسب ارائه می‌دهد، و درآینده می‌آموزد که چگونه از وقت و امکانات خود کمال استفاده را نماید و در کارها اعتماد به نفس پیدا کند.

به موازات انضباط، باید احترام به کودک نیز مورد توجه خاص قرار گیرد. چرا که احترام متقابل، مبنا و اساس روابط بین مربی و کودک بوده، در این صورت است که کودک در مقابل دستورها تسلیم شده و از خودسریهای بی‌رویه وی جلوگیری می‌شود.

خواستهای صحیح، معقول، بیکبر و درعین حال قاطع والدین، کودک را در یافتن روشهای مناسب رفتاری یاری می‌کند.

توجه به همه جنبه‌های شخصیت

چون تعلیم و تربیت اسلامی، توجهی همه

- ۵- چه حوادث و مسائلی در زندگی کودک پیش می آید و او با آنها چگونه برخورد می کند؟
- ۶- خانواده و دیگران چه ارزشهایی را برای وی مهم جلوه می دهند؟
- ۷- اوقات فراغت را چگونه می گذراند؟

عوامل مهم و مؤثر دیگر که در تربیت کودک، به طور غیر مستقیم مؤثر بوده، در شکل گیری شخصیت وی به طور غیررسمی تأثیر می گذارند، عبارتند از:

- ۱- نحوه ارتباط و هماهنگی پدر و مادر با یکدیگر.
- ۲- دوستی و معاشرت با اطرافیان،



قبل از ورود به دبستان

همسالان، همسایگان و فامیل.

کودکان قبل از ورود به دبستان باید از موقعیت پرورشی خاصی برخوردار بوده باشند و موفقیت آنان در دوره بعد از دبستان مبتنی بر بهره گیری و کارورزی، وسعت احساس و شناخت تجربی فراوان در درک طبیعت است. هرچهار

۳- نمونه های شخصیتی که در مقابل او قرار گرفته اند و افراد مهمی که کودک در زندگی، با آنها در تماس و ارتباط است.

۴- مبنای اخطار اطرافیان که بر اساس چه ارزشهایی صورت می پذیرد.

دایره وسیعتری از ادراکات حسی و تجربی بر خوردار باشند، زمینه فراوانی برای درک و تفکر و شناخت در دوران بعد از هفت سالگی خواهند داشت.

از طرفی باید مربیان و معلمان، توجه داشته باشند که پرورش فکری و آموزشی کودکان نمی تواند جدای از مسائل عاطفی و احساسی و نیز جدای از عرصه های اخلاقی در زمینه های تحمل، احساس و تحرک و جنب و جوشهای گذشته باشد.

تأثیر مسائل عاطفی در یادگیری

درک و یادگیری کودک بسیاری از اوقات تحت الشعاع مسائل عاطفی و پرورشی است و دلسردی کودک در اثر برخورد نامناسب والدین یا مربیان، تمرکز حواس او را در کلاس درس از بین می برد. عدم توجه والدین و مربیان به این موضوع، ممکن است کودک را در یادگیری مسائل آموزشی دچار مشکل کند و تلاش و علاقه او را از بین ببرد.

مهمترین مسأله در پرورش فکری، علمی و آموزشی کودکان، منگی بودن مسائل آموزشی به جنبه های احساسی و عاطفی مورد علاقه کودکان و همچنین توجه به ویژگیهای روانی آنان در این دوران است. در چنین شرایطی کودک بدون این که احساس کند، با شوق و علاقه، معلومات تازه ای دریافت کرده، تلاش خود را برای کشف هر چه بیشتر حقایق افزونتر می سازد.

پرورش فکری کودک با پیوندهای عاطفی و احساسی همراه با جهت گیریهای صحیح معنوی رفتار والدین و مربیان، در عشق به مبداء آفرینش - که سرچشمه همه کمالات است - به اوج خود

می رسد. و در صورت سازماندهی صحیح برنامه های پرورشی - که بر پایه سنتها و آداب اسلامی استوار است - نتیجه برنامه های پرورشی کودک نیز به موفقیت خود خواهد رسید.

آموزش معلومات درسی بدون در نظر گرفتن شرایط عاطفی کودک، و بدون پیدا کردن مرکز رغبت و علاقه وی، و بدون برخورداری از برنامه ریزی صحیح، موجب به وجود آمدن معلومات سطحی و فشار و خستگی روحی فراوان کودک در کلاس خواهد شد. از طرف دیگر، والدین باید کودک را در جهت درک صحیح رویدادها و حوادث مختلف، و تضاد ارزشها که در محیط خانه و مدرسه مورد توجه او قرار گرفته است راهنمایی کرده، یاری دهند.

همچنین پرورش فکری کودک و تربیت وی تا حد زیادی، با تأثیرات رفتاری همه روزه والدین و انواع عاداتها، برخوردها و برنامه های مورد علاقه آنها ارتباط مستقیم دارد و ایمان و آگاهی والدین نسبت به اصول تعلیم و تربیت اسلامی، رعایت سنت و آداب اسلامی در عمل، چگونگی و روش برخورد صحیح آنان با کودکان، شرط لازم در سازماندهی و برنامه ریزی پرورش فکری خردسالان است. چون تنها در آن صورت است که والدین، کودک خود را از طریق بهره گیری از راههای مثبت و سازنده آماده ورود به مرحله آموزشی خواهند کرد.

والدین باید توجه داشته باشند که آماده کردن کودک برای ورود به دبستان، نیازمند یک کار پرورشی و تربیتی و یک تلاش مستمر در دوران هفت سال اول است و در سایه وجود آن است که فرزندشان با درک مقدمات، بسادگی آماده برقراری ارتباط با مربی و همسالانش می شود، به طوری که با آمادگی روانی تمام و با برخورداری

فعالیت‌های غیررسمی و غیرآگاهانه فرامی‌گیرد - نه از طریق تذکرات بی‌درپی و شفاهی والدین و مربیان و معلمان! - بنابراین، همه اصول اخلاقی و تربیتی باید از طریق مهر و محبت و باتشویق به کارها، فعالیتها و بازیهای پرورشی غیر رسمی پیاده شود تا استعدادها، کسب مهارتها و عادت‌های مطلوب و توانایی‌ها در کودک شکوفا گردد.

تأثیر بازی در رشد کودک

بسیاری از والدین و بعضی از مسوولین اجتماع، از اهمیت و تأثیر بازیها و سرگرمیها در کودکان غافلند و از فراهم کردن امکانات لازم برای آنها، خودداری می‌کنند و حتی آنرا کاری عبث و بیهوده می‌پندارند. در صورتی که اگر در بازی هدفی نهفته باشد، از دایره لهو و لعب بودن خارج شده، به عنوان یک امر مقدس تلقی می‌شود. علاوه بر این عده‌ای نیز از بازی برای راحت کردن خود و درامان ماندن از مزاحمتها و سرو صدای کودکان بهره می‌گیرند و توجهی به جنبه‌های بدآموزی آن ندارند. در حالی که اشتغال به فعالیتها و بازیها یکی از ویژگیهای اخلاقی، روانی و جسمانی این دوران است. باید توجه داشت، در صورتی که والدین مراقبت و نظارتی بر کارهای کودکان نداشته باشند، ممکن است به نوسط افراد نایاب به بدآموزی کشیده شوند.

در مدارس و مراکز آموزشی، اگر امکانات و وسایل بازی برای کودک فراهم نباشد به طوری که در ساعات ورزش و زنگ تفریح به اندازه کافی فعالیت و جنب و جوش نداشته باشد، انرژی و متراکمی که در وجودش نهفته، تخلیه نشده،

از حس علاقه به کار، و توانایی فکری و جسمی، و آشنایی در برقرار کردن ارتباط با همسالان، مهبای ورود به مرحله آموزش می‌گردد.

بنابراین، اهداف تربیتی در مرحله دبستان، عبارتند از ایجاد زمینه عادت‌های مطلوب و سنت‌های صحیح، به وجود آوردن حس نوع دوستی، برقراری روابط دوستانه میان کودکان و بزرگسالان، رعایت قواعد و قوانین زندگی، مهربانی، دلسوزی نسبت به دیگران، آماده شدن برای قبول مسوولیت‌های اجتماعی، علاقه به ارزشهای انسانی و احترام نسبت به بزرگترها.

ایجاد عادات مطلوب

برای آماده کردن کودک به قبول آداب زندگی و رفتار اجتماعی، باید مقدمات لازم را از راه ایجاد کششها، انگیزه‌ها، علاقه‌ها و ارتباط و تماس دایمی با همسالان خود از طریق انجام بازیهای دوستانه با آنان، مورد توجه قرار داده، زمینه ایمان به خدا، ایثار، گذشت، فداکاری، کمک به دیگران و احساس همدردی را در آنان فراهم کرد. و از آن جا که دوران کودکی مهمترین مرحله در شکل گیری شخصیت اخلاقی انسان است و کودکان از قدرت انعطاف و تأثیرپذیری بیشتری برخوردارند، تماس دایمی با افراد با ایمان و مؤمن، بهترین زمینه پرورش در این مرحله سنی است. که در نتیجه آن، کودک، اعمال و افکار و معیارهای اطرافیان را تقلید کرده و به کار می‌گیرد. این جاست که یک بار دیگر نقش مهم پدر و مادر و مربیان به عنوان الگوهای رفتاری کودکان به روشنی آشکار می‌گردد. و از آن جا که کودک تمامی معلومات، مهارتها، تواناییها، تصورات، رفتار و اخلاق خود را در حین

نسبت به مبدا آفرینش، شناخت و تهذیب نفس خویش، آشنایی لازم با روان و شخصیت کودک و شناخت اصول و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، قادر هستند فعالیتهای کودک را در زمینه‌های احساسی، عاطفی، اخلاقی، آموزشی و همچنین روابط صحیح وی با همسالان و دیگر افراد اجتماع، رهبری و هدایت نمایند و برای تحقق بخشیدن به آرمانهای متعالی تعلیم و تربیت اسلامی، درجهت سازندگی شخصیت نونهالان و فرزندان - که سرمایه های عظیم و آینده ساز کشور اسلامی می باشند- گامی به پیش نهند.

و آرامش لازم را درجهت تمرکز حواس درکلاس پیدانخواهد کرد. درواقع والدین مسوول فراهم آوردن امکانات، معلمان و مربیان مسوول هدایت و راهنمایی تلاشهای کودکان هستند. باید کنترل و هدایت به گونه‌ای باشد که کودکان در طول روز، وقت خود را بیهوده تلف نکنند و از همکاری و تشویق به بازی و سرگرمی، یا کاردر اوقات مناسب در جهت آرامش و وسعت بخشیدن به جریان یادگیری و کسب تجربه و رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت مساعدت جویند. به طور خلاصه می توان گفت که: والدین و مربیان تنها با ایمان و اعتقاد راسخ خود

پاورقیها:

- ۱- "العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر"
- ۲- مکارم الاخلاق، صفحه ۲۲۷
- ۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۱
- ۴- حدیث نبوی: کسی که سراز خواب نوشین بردارد و در امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست.
- ۵- یکی از موقعیتهای مناسب قصه گویی هنگام خواب کودک است.
- ۶- علی علیه السلام: هیچ سرمایه و ارثی بالاتر از ادب نیست.
- ۷- "دع ابک سع سنین، و بوءدب سبع سنین، والزمه نفسک سبع سنین"، وسایل، جلد ۵، صفحه ۱۲۵